

در مسیر تمدن

سالنامه پژوهشی

سال دوم ، شماره دوم (پاییز ۱۴۰۴)



صاحب امتیاز: مدرسه معصومیه ع.ق.ج

مدیر مسئول: مجید سلامی

جانشین مدیر مسئول و سردبیر: جمال الدین حیدری فطرت



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- ❖ ابوالفضل ابوالقاسمی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ حسین ایزدی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ محمد صادق پورمدنی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ جمال الدین حیدری فطرت (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ احمد فرخی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ سجاد قدک (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ محمد مادرشاهی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ جواد محمدی سیاهبومی (استاد حوزه علمیه)



دبیر اجرایی: جواد محمدی سیاهبومی

ویراستار: علی یاوری

صفحه آرا: محسن مهمان نواز

طراح جلد: حسین جاهدی

نشانی: قم، بلوار محمد امین، مدرسه علمیه معصومیه ع.ق.ج، دفتر پژوهش، تلفن:

۰۲۵۳۲۹۰۰۳۲۶

در مسیر تمدن

سالنامه پژوهشی

سال دوم، شماره دوم (پاییز ۱۴۰۴)

چیستی اطلاق مقامی و سنجش آن با اطلاق لفظی

مصطفی حیدری مزرعه آخوند^۱

چکیده

یکی از قواعد پرکاربردی که در استنباط‌های اصولی و فقهی مورد کاربست علمای اصول قرار گرفته، قاعده اطلاق مقامی است. با وجود اینکه این قاعده در کلمات علما زیاد به کار برده شده، اما مبحثی جامع که به طور کامل در کتب اصول به بررسی آن پرداخته باشد، یافت نشد.

در این مقاله، ابتدا تعاریف و کاربست این اصطلاح توسط علمای متأخر بازبینی شده و سپس یک تعریف جامع از آن ارائه می‌گردد. در ادامه، با بررسی ابعاد و کاربردهای این اصطلاح، تقسیم‌بندی کوتاهی از آن بیان می‌شود. در نهایت، به بیان تفاوت اطلاق مقامی با اطلاق لفظی و موارد کاربرد هر یک در کلمات علمای متأخر اصولی پرداخته خواهد شد که پژوهشگر را در استفاده از این دو قاعده اصولی یاری می‌رساند.

واژگان کلیدی: اطلاق مقامی، اطلاق لفظی، مقام بیان، امر شارع.

^۱ طلبه درس خارج مدرسه معصومیه علیهم‌السلام

فصل اول: تعریف اطلاق مقامی

چون در مسائل اصولی، یک باب مجزا برای این امر وجود ندارد، برای دست یافتن به تعریفی از اطلاق مقامی، باید به کلمات علما در مواضعی که از این گزاره استفاده کرده‌اند، رجوع نمود.

۱. تعریف مرحوم آخوند

مرحوم آخوند_ در بحث توصلی بودن اوامر شارع_ می‌فرماید: هر چند قصد امتثال در متعلق امر شارع قابل فرض نیست (به دلیل محذور دوریت)، اما اگر شارع در مقام بیان تمام هدف خود باشد و هیچ قرینه‌ای که اشاره به دخالت امر مشکوک بکند، ذکر نکرده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که این امر در هدف شارع دخیل نیست. زیرا در غیر این صورت، هدف اصلی شارع که بیان حکم است، نقض شده و این امر مخالف حکمت شارع است. ایشان اطلاق مقامی را این‌گونه تعریف می‌کنند: وقتی شارع در مقام بیان تمام هدف خود باشد، همین که قرینه و دالی بر امر مشکوک قرار نداده است، دلالت بر عدم دخالت این امر دارد^۱. البته باید توجه داشت که ایشان عدم امکان اطلاق و تقیید لفظی را شرط برای اطلاق مقامی ذکر نمی‌کنند و نسبت به این شرط ساکت هستند^۲.

۲. تعریف مرحوم نائینی (اصطلاح متمم جعل)

^۱ کفایه الاصول (ط آل البیت)، آخوند خراسانی: ص ۷۵

^۲ همان: "نعم إذا كان الأمر في مقام بصدد بیان تمام ما له دخل في حصول غرضه و إن لم يكن له دخل في متعلق أمره و معه سكت في المقام و لم ينصب دلاله علی دخل قصد الامتثال في حصوله كان هذا قرينه علی عدم دخله في غرضه و إلا لكان سكوتة نقضا له و خلاف الحكمة"

مرحوم نائینی_ در بحث حدیث رفع در کتاب فوائد الاصول_ به تعریف اطلاق مقامی می‌پردازند. به بیان ایشان، وقتی شارع نتواند با یک جعل، هرآنچه که در غرضش دخیل است را بیاورد و پاسخگوی زمان شک نباشد، اطلاق مقامی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، خطاب شارع از رد مورد مشکوک، قاصر است؛ یا به دلیل مجمل بودن (که نتوان به اطلاق لفظی تمسک کرد) و یا اینکه قید زدن امکان ندارد. مثل شک در مورد قصد امثال در امر شارع که بیان این قید در جعل اول ممکن نیست؛ بنابراین، شارع باید با قرار دادن حکم دوم این شک را برطرف کند. اگر حکم دومی نیابد، می‌فهمیم که این امر مشکوک در غرض شارع دخیل نیست^۱. البته ایشان اصطلاح متمم جعل را مبدع شدند و به جای اطلاق مقامی از آن استفاده می‌کنند، اما چون مراد یکی است، در تعریف اطلاق مقامی ذکر می‌شود.

اشکال: شرط قصور خطاب از قید خوردن که توسط ایشان ذکر شد، درست نیست. زیرا مواردی در شرع داریم که امام در مقام بیان است و می‌تواند قید بزند اما قید نزده و اطلاق لفظی نیز قابل استفاده نیست، چون الفاظ امام ناظر به مورد مشکوک نیست. مثل روایت امام باقر (ع) در مورد آموزش وضو، که اگر شک ایجاد شود آیا استنشاق برای وضو واجب است یا خیر، با استفاده از اطلاق لفظی نمی‌توان این قید را کنار گذاشت. با این حال، چون امام در مقام بیان تمام آنچه در

^۱ فوائد الاصول، کاظمی خراسانی، محمد علی: ج ۳ ص ۳۳۶: "ان ظاهر حال المولی عند ما یأمر بشیء انه بصدد بیان تمام ما یأمر به باعتباره طریقا الی بیان تمام غرضه فلو کان الأمر قاصرا عن بیان تمام غرضه لعدم امکان أداء تمامه به و لکن کان بالإمكان تکمیل ذلک و لو بجملة خبریه، فظاهر حاله انه لو کان غرضه کذلک لبینه و لو بجملة خبریه فان لم یصنع ذلک انعقد فی کلامه إطلاق مقامی لفظی دخل قصد القربة فی الغرض بلحاظ هذا الظهور الحالی الذی أشرنا إلیه."

وضو دخالت دارد، هستند، می‌توان به اطلاق مقامی تمسک کرد و امر مشکوک را رد نمود^۱.

۳. تعریف مرحوم شهید صدر

مرحوم شهید صدر (در بحث شک در تعبدیت اوامر شارع در کتاب بحوث فی علم الاصول) برای بیان عدم تعبدیت، از اطلاق مقامی استفاده کرده و استدلال می‌آوردند: وقتی مولا امر به چیزی می‌کند، از ظاهر حالش می‌توان برداشت کرد که همه آنچه را قصد کرده، آورده است. ولو اینکه نتواند در حکم اولیه قیدی را اضافه کند، می‌توانسته با یک حکم بعدی یا یک قرینه‌ای به این قید مدنظر ارشاد دهد. وقتی با این شرایط چیزی را بیان نکرده، در کلامش اطلاق مقامی ایجاد می‌شود و در بحث شک در تعبدیت اوامر، می‌توان از آن استفاده کرد^۲. ایشان در بحث تشبیه پنجم از مقدمات حکمت، شرط دیگری برای اطلاق مقامی ذکر می‌کنند: آن امر مشکوک باید یک تصور و مراد مستقل داشته باشد و از ظاهر لفظ و اراده از آن لفظ جدا دانسته شود. به عبارت دیگر، مولا زمان به کاربردن الفاظ و اراده معنا، اصلاً ناظر به امر مشکوک نبوده باشد. برای مثال، وقتی امام وضو را یاد می‌دهند و پنج جزء را ذکر می‌کنند، شک در جزء ششم (مثل وجوب استنشاق)

^۱ الکافی، محمدبن یعقوب: ج، ۳، ص ۲۵، حدیث ۱

^۲ بحوث فی علم الاصول، صدر، سید محمد باقر: ج ۲، ص ۱۰۴: "ان ظاهر حال المولی عند ما یأمر بشیء انه بصدد بیان تمام ما یأمر به باعتباره طریقاً الی بیان تمام غرضه فلو کان الأمر قاصراً عن بیان تمام غرضه لعدم امکان أداء تمامه به و لکن کان بالإمكان تکمیل ذلک و لو بجملة خبریه، فظاهر حاله انه لو کان غرضه کذلک لبینه و لو بجملة خبریه فان لم یصنع ذلک انعقد فی کلامه إطلاق مقامی لئنی دخل قصد القربه فی الغرض بلحاظ هذا الظهور الحالی الذی أشرنا إلیه. و هذا التقرب صحیح."

را با اطلاق مقامی رد می‌کنیم، چون نه الفاظ و نه اراده از آن الفاظ برای کنار گذاشتن این جزء فایده ندارد، زیرا ناظر به این مورد نیست^۱.

اشکال: این که ایشان جایگاه اطلاق مقامی را در جایی می‌دانند که شارع باید یک اراده و تصور مستقل نسبت به امر مشکوک داشته باشد و در نتیجه، آن امر مشکوک یک امر مستقلی باشد، مورد پذیرش نیست. زیرا گاهی اوقات امر مشکوک یک جزء از همان امر واحد شارع است و در قالب اراده و تصور مستقلة قرار نمی‌گیرد. برای مثال، در بحث تعبدی بودن اوامر شارع، خود قصد امتثال باید قیدی برای همان امر قرار گیرد، نه اینکه خود، یک اراده مستقل باشد؛ زیرا تصور قید امتثال، تصوری وابسته به یک امر است و شارع نمی‌تواند مستقلاً قصد امتثال را بدون در نظر گرفتن امر خود، اراده کند.

۴. تعریف مرحوم محقق عراقی

مرحوم محقق عراقی _ در بحث صیغه امر _ برای اثبات دلالت صیغه بر وجوب، از اطلاق مقامی استفاده می‌کند. استدلال ایشان این است: وقتی شارع در مقام بیان حکم باشد و کلامش صلاحیت انطباق بر دو امر را داشته باشد که یکی (استحباب) نیازمند مؤونه اضافی است، همین ذکر نکردن هر کدام، دلالت بر آن موردی دارد که مؤونه بیشتری ندارد (وجوب)، و این را تمسک به اطلاق مقامی ذکر می‌کنند^۲. ایشان کاربرد اطلاق مقامی را در جایی می‌دانند که اطلاق لفظی

^۱ همان: ج ۳ ص ۴۳۲: "اما الإطلاق المقامی فالتقیید المحتمل فی موردہ لا یکون قیدا فیما ذکر فی الکلام بل هو مراد آخر علاوہ علی المرام المدلول علیہ باللفظ کما إذا قال (ألا أعلمکم وضوء رسول اللہ) فذکر انه غسل الوجه و الیدین و مسح الرأس و القدمین فانه یستفاد بمقتضی الإطلاق المقامی عدم جزئیة المضمضه أو الاستنشاق مثلاً"

^۲ منهاج الأصول، عراقی، ضیاء الدین: ج ۱ ص ۱۷۹: "نعم لا مانع من جریان مقدمات الحکمہ بالنسبۃ الی الاطلاق المقامی فانه لما کان المتکلم فی مقام بیان و کان کلامه صالحاً

وجود نداشته باشد، نه اینکه امکان اطلاق لفظی نباشد. شرط دیگر ایشان این است که امر مشکوک از قیودی باشد که زمان عمل به امر شارع، مورد غفلت مردم قرار می‌گیرد. پس اگر عرف نسبت به این قید اهتمام دارد، دیگر نمی‌توان از اطلاق مقامی برای نفی این قید استفاده کرد، چون شارع به این فهم و اهتمام عرف نسبت به این قید اعتماد کرده و آن را ذکر نکرده است.^۱

اشکال: شرط غافل بودن مردم نسبت به قید مشکوک که ایشان ذکر کردند، مورد پذیرش نیست. زیرا گاهی اوقات عرف نسبت به شرطی غافل نیست، اما هیچ داعی و دستوری مبنی بر لزوم این شرط ندارد و آن را امری مستحب به حساب می‌آورد. پس نمی‌توان صرفاً به اهتمام عرف نسبت به قیدی، حکم به وجوب آن قید داد.

تعریف مختار

به نظر، می‌توان بین تعاریف ذکر شده به یک تعریف جامع رسید که بیانگر مفهوم زیر باشد: "وقتی شارع در مقام بیان حکم به‌طور کامل باشد و از یادآوری امری خودداری کند یا متعرض نفی امری که در اذهان عرف هست نشود و اگر هم نتواند نسبت به نفی یا اثبات آن امر در کلامش متذکر شود، قرینه‌ای یا حکم دومی دالّ بر دخالت آن امر مشکوک ذکر نکند. همچنین دایره الفاظ ناظر به آن امر مشکوک

لان ینطبق علی أحد امرین أحدهما غیر محتاج الی مثنوئه و الآخر فی حاجه الی ذکر مثنوئه فعدم ذکرها یدل علی عدم اعتبارها".

^۱ همان: "و مما ذکرنا ینظر الفرق بین الاطلاق اللفظی و الاطلاق المقامی فان الاطلاق اللفظی وارد علی حکم العقل بالاستتعال و حکم العقل بالاستتعال یتکل علیه فی مقام البیان فلذا یقدم علی الاطلاق المقامی فهو انما ینجر فیما اذا لم یکن بیانا و کان القید مما یغفل عنه فحینئذ یكون سکوت المولی فی مقام البیان دلیلا علی عدم اعتبار ما شک فی اعتباره سواء امکن اخذه فی المتعلق ام لم یمکن اخذه فی المتعلق بخلاف الاطلاق اللفظی فانه یتمسک به اذا امکن اخذ القید فی المتعلق"

نباشد و نشود به اطلاق لفظی تمسک کرد. در اینجا اطلاق مقامی شکل می‌گیرد و می‌توان برای نفی یا اثبات امر مشکوک به آن تمسک کرد." لازم به ذکر است که گاهی اوقات اطلاق مقامی، اثبات قیدی می‌کند و فقط برای نفی قید استفاده نمی‌شود. برای مثال، در باب معاملات که شارع امضائی بوده و بیانی غیر از بیان عرف ندارد، اگر در معامله‌ای عرف یک قیدی را لحاظ کرده (مثلاً حضور ثمن و مثنی) و شارع متعرض نفی این قید نشده، می‌توان از اطلاق مقامی برای اثبات این قید استفاده کرد.

فصل دوم: اقسام اطلاق مقامی

با توجه به کاربرد اطلاق مقامی، می‌توان این اصطلاح را به دو بخش تقسیم‌بندی کرد:

۱. اطلاق مقامی دلیل (اطلاق مقامی خطاب واحد)

این اطلاق در جایی شکل می‌گیرد که شارع در مقام بیان یک حکم شرعی به صورت کامل باشد و از ذکر قیدی خودداری کند. در نتیجه، ما به وسیله اطلاق مقامی این قید را نفی می‌کنیم. بنابراین، برای استفاده از این اطلاق، با یک دلیل و قضیه شرعیه مواجه هستیم.

۲. اطلاق مقامی مجموع ادله (اطلاق مقامی کبیر)

این اطلاق در جایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ما تمام ادله یک موضوع شرعی را بررسی می‌کنیم و وقتی نسبت به حکم شرعی یا جزئی از حکم، مشکوک شدیم، از اطلاق مقامی مجموع ادله برای نفی این قید استفاده می‌کنیم. به عبارت دیگر، ما تمام روایات در باب این موضوع را مثل یک روایت دیده و چون شارع در مقام بیان کلیه احکام نسبت به این موضوع بوده و امر مشکوک را ذکر نکرده، ما از

اطلاق مقامی استفاده می‌کنیم. همچنین، علما برای کنار گذاشتن یک حکم شرعی نیز از اطلاق مجموع ادله تشریح استفاده می‌کنند. به این صورت که شارع در مقام بیان تمام احکام خود بوده و وقتی حکمی را ذکر نکرده، از اطلاق مقامی برای نفی این حکم استفاده می‌شود. مثلاً برای رد وجوب دعا عند رؤیت هلال، از اطلاق مجموع ادله شریعت استفاده می‌کنند.

نکته: مرحوم شهید صدر در کتاب اصولیشان متعرض این تقسیم‌بندی شده و از آن به‌عنوان اطلاق مقامی صغیر (در یک دلیل) و اطلاق مقامی کبیر یاد می‌کند.^۱

فصل سوم: تفاوت بین اطلاق لفظی و اطلاق مقامی

۱. ارتباط با لفظ و متعلق حکم:

اطلاق لفظی در جایی استفاده می‌شود که لفظی از جانب شارع آمده باشد. در این نوع اطلاق، امر مشکوک باید بتواند در متعلق این لفظ لحاظ شود. وقتی در جزئی یا قیدی شک می‌کنیم که آیا در متعلق این لفظ لحاظ شده یا نه، به اطلاق لفظی رجوع کرده و به دلیل سکوت شارع در مورد مشکوک، حکم به انتفاء این قید می‌کنیم.

در مقابل، در اطلاق مقامی، شارع در صدد بیان تمام آنچه در غرضش دخیل است، می‌باشد. این نوع اطلاق حتی در مواردی که شارع نتواند قید را در متعلق حکم خود ذکر کند یا اصلاً حکمی را بیان نداشته باشد، جاری است. ما اگر در اینجا نسبت به قیدی، حکمی مستقل یا جزئی شک کردیم، از این اطلاق برای نفی، اثبات قید یا حکم مستقل استفاده می‌کنیم. بنابراین، برای استفاده از اطلاق مقامی نیاز به لفظ نداریم، هرچند گاهی اوقات لفظ وجود دارد و در مورد قید یا

^۱ بحوث فی علم الاصول، صدر، سید محمدباقر: ج ۶، ص ۴۹

جزئی شک می‌شود و گاهی اوقات لفظی وجود ندارد و ما در مورد یک حکم کلی شک می‌کنیم.

۲. احراز مقام بیان:

یکی از شرایط اطلاق لفظی و مقامی این است که شارع در مقام بیان باشد، نه در مقام اجمال و اجمال. اما اگر در اطلاق لفظی شک کنیم که شارع در مقام بیان است یا خیر، یک اصل عقلایی وجود دارد که حکم می‌کند شارع در مقام بیان است و به اطلاق تمسک می‌کنیم.

اما در اطلاق مقامی، چنین قاعده‌ای وجود ندارد. ما حتماً باید احراز کنیم که شارع در مقام بیان تمام آنچه در غرضش دخیل است، می‌باشد، حتی اگر نتواند آن را در متعلق امر خود بیاورد، تا بتوانیم به این اطلاق تمسک کنیم^۱.

۳. امکان تقیید و شمولیت:

چون رابطه بین اطلاق لفظی و تقیید، ملکه و عدم است، اطلاق لفظی در جایی استفاده می‌شود که قید زدن لفظ خطاب ممکن باشد. اما اطلاق مقامی اعم از این است که قید زدن این خطاب ممکن باشد یا نباشد. مهم این است که مجموع خطابات شارع بتواند مثبت قید باشد و اطلاق مقامی آن را نفی کند. مثل قصد امثال در بحث اوامر شارع که در خطاب واحد نمی‌شود این قید را آورد، ولی در خطابات متعدده می‌توان مقید کرد؛ بنابراین، اطلاق مقامی پیاده می‌شود. حتی نسبت به یک خطاب واحد نیز اگر کلام و لفظ ناظر به امر مشکوک نباشد، می‌توان از اطلاق مقامی استفاده کرد.

^۱ دراسات الاصول فی اصول الفقه، معصومی شاه‌رودی، علی اصغر: ص ۲۷۷

۴. اثر مقید منفصل:

در اطلاق لفظی، اگر بعداً یک قیدی آورده شود، بنابر نظر اکثر اصولیون، اصل اطلاق کلام از بین نمی‌رود و فقط حجیت اطلاق ساقط می‌شود. در نتیجه، اگر در اطلاق لفظی شک در وجود قید منفصل داشته باشیم، چون اطلاق شکل گرفته، می‌توان تا وقتی که به مقید نرسیدیم، از این قاعده استفاده کنیم. اما در اطلاق مقامی، اگر بعداً قیدی آورده شود یا به قیدی دست پیدا کنیم، علاوه بر حجیت، اصل اطلاق به‌طور کامل از بین می‌رود. در نتیجه، برای تمسک به اطلاق مقامی، اول باید احراز کنیم که مقید منفصلی وجود ندارد. بنابراین، اگر در مورد مشکوک یک روایت ضعیف یا مجملی که دلالت بر وجود قید کند داشته باشیم، نمی‌توانیم به اطلاق مقامی تمسک کنیم.

۵. نتیجه (نفی یا اثبات):

اتطلاق لفظی همیشه شیوع و سریان را به همراه خود دارد. اما اطلاق مقامی گاهی اوقات تقیید را نتیجه می‌دهد. برای مثال، در بحث معاملات گفتیم شارع با عرف همراهی می‌کند. اگر عرف در جایی قیدی را دخیل در صحت معامله بداند و شارع متعرض آن نشده باشد، ما با استفاده از اطلاق مقامی حکم به ثبوت قید می‌کنیم. البته شاید بتوان در این تقسیم‌بندی اشکال کرد، به این نحو که اگر اطلاق را نفی مؤونه زائد معنا کنیم، دیگر از این جهت فرقی نمی‌کند؛ زیرا در موارد مثبت قید یا نافی قید، یک مؤونه زائد از شارع نفی شده است.

فصل چهارم: نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکر شده، اطلاق مقامی را می‌توان این‌گونه بیان داشت: وقتی شارع در مقام بیان تمام غرضش باشد و نسبت به نفی یا اثبات امری سکوت کند و جایی برای استفاده از اطلاق لفظی وجود نداشته باشد، می‌توان از اطلاق مقامی

چیستی اطلاق مقامی و سنجش آن با اطلاق لفظی

استفاده کرد. تعاریف دیگری از برخی صاحب‌نظران ذکر شد که به دلیل اضافه کردن قیودی همچون غفلت مردم از امر مشکوک یا شرط محال بودن قید زدن لفظ توسط شارع، جامع تمام اطراف این اصطلاح نبود. همچنین مرحوم شهید صدر بحث اراده مستقلة داشتن این امر مشکوک را مطرح کردند که این شرط هم مورد پذیرش قرار نگرفت، زیرا در مواردی این اراده مستقلة وجود ندارد و وابسته به امر اول است.

در ادامه، به تقسیم‌بندی اطلاق مقامی پرداخته شد که گاهی اوقات از مجموع ادله یک موضوع یا مجموع ادله کل شریعت استفاده می‌شود (اطلاق کبیر) و گاهی اوقات از یک خطاب واحد اطلاق مقامی استفاده می‌شود (اطلاق صغیر).

در پایان نیز به تفاوت اطلاق مقامی و لفظی پرداخته شد. اطلاق لفظی در جایی که حتماً لفظی در میان باشد و قید مشکوک بتواند متعلق حکم قرار گیرد، استفاده می‌شود. اما اطلاق مقامی وابسته به لفظ نیست و فقط شارع باید در مقام بیان تمام غرضش باشد و نتوان برای نفی امر مشکوک (یا به دلیل عدم امکان قید زدن و یا به دلیل اجمال کلام) به اطلاق لفظی تمسک کرد. همچنین برای استفاده از اطلاق مقامی، حتماً باید در مقام بیان بودن شارع را احراز کنیم و اگر شکی برای ما به وجود آمد، نمی‌توان به این اطلاق تمسک کرد. درحالی‌که در اطلاق لفظی، یک اصل عقلایی وجود دارد که در صورت ایجاد شک، با کمک آن شک به وجود آمده را نفی کرده و به اطلاق لفظی تمسک می‌کنیم.

منابع

۱. أجود التقریرات، نائینی، محمدحسین، تقریر: خوئی، سید ابوالقاسم، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش
۲. أصول الفقه، مظفر، محمدرضا، قم، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۳۰ق
۳. بحوث فی علم الأصول، صدر، سید محمدباقر، تقریر: هاشمی شاهرودی سید محمود، قم، المكتبة العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۷ق
۴. دراسات الأصول فی أصول الفقه، معصومی شاهرودی، علی اصغر، قم، انتشارات معصومی شاهرودی، چاپ اول، ۱۴۲۴ق
۶. مقالات الأصول، عراقی ضیاءالدین، تحقیق: مجمع الفکر الإسلامی، قم، مجمع الفکر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق
۷. محاضرات فی أصول الفقه، خوئی سید ابوالقاسم، تقریر: فیاض محمد اسحاق، قم، دار الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق
۸. کفایة الأصول، خراسانی محمدکاظم، تحقیق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۷ق

در مسیر تمدن

سالنامه پژوهشی

سال دوم، شماره دوم (پاییز ۱۴۰۴)

در مسیر تمدن / شماره دوم / پاییز ۱۴۰۴